



شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضایی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR  
WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۴۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۱	قوه قضاییه	۱۴۰۰/۱۱/۱۲	دستورالعمل ساماندهی حل و فصل اختلافات از طریق داوری و ایجاد و توسعه نهادهای داوری
۲	قوه قضاییه	۱۴۰۰/۱۱/۱۲	دستورالعمل تعیین نحوه و میزان دسترسی به سامانه سجل محکومیت‌های مالی
۴	شعب دیوان عالی کشور، دادگاهها و سایر مراجع	۱۴۰۰/۱۰/۷	رأی وحدت رویه شماره ۸۱۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور
۶	سازمان امور مالیاتی کشور	۱۴۰۰/۱۰/۷	رأی شماره‌های ۲۶۶۸ و ۲۶۶۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اطلاق بخشنامه شماره ۲۳۰/۹۷/۱۱۵ - ۱۳۹۷/۸/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور در خصوص اثر آرای هیأت عمومی در پرونده‌های مطرح در مراحل حسابرسی، تشخیص و دادرسی مالیاتی در فرضی که مقرره‌ای از جهت خلاف شرع بودن ابطال شده یا بشود و اثر ابطال آن به پرونده‌های قطعی و مختومه تسری نیابد و همچنین در فرضی که امکان پرداخت مالیات محاسبه شده جدید با کنار گذاشتن احکام مذکور در بخشنامه‌های ابطال شده قبلی توسط مؤدی وجود ندارد از تاریخ تصویب ابطال شد
۸	معاونت اجرایی و سرپرست نهاد ریاست جمهوری - معاونت حقوقی رئیس جمهور سازمان اداری و استخدامی کشور	۱۴۰۰/۹/۱۶	مصوبه شورای عالی اداری در خصوص تغییر مرکز امور حقوقی بین‌الملل ریاست جمهوری با کلیه وظایف، اختیارات، مسئولیت‌های قانونی، نیروی انسانی و بودجه به معاونت حقوقی رئیس جمهور
۸	وزارت جهاد کشاورزی سازمان اداری و استخدامی کشور	۱۴۰۰/۹/۱۶	مصوبه شورای عالی اداری در خصوص تغییر عنوان سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور

و در راستای ساماندهی و ارتقای نظام داوری به عنوان یکی از راهکارهای «توسعه روش‌های حل اختلاف جایگزین رسیدگی قضایی» مندرج در فصل دوم سند تحول قضایی و به منظور افزایش مشارکت مردم در حل و فصل دعاوی، کاهش مراجعه شهروندان به مراجع قضایی، تسریع در حل و فصل اختلافات و ایجاد، ساماندهی و توسعه نهادهای داوری و نظارت بر آن‌ها، دستورالعمل ساماندهی حل و فصل اختلافات از طریق داوری و توسعه نهادهای داوری، به شرح مواد آتی است.

فصل نخست - کلیات

ماده ۱- تعاریف و اختصارات به شرح زیر است:

- «داوری»: حل و فصل اختلافات حقوقی اشخاص به وسیله داور یا داورانی که مستقیم یا غیر مستقیم بر اساس توافق طرفین انتخاب می‌شوند؛
- «داوری حرفه‌ای و داوری غیر حرفه‌ای»: در صورتی که داوری با اخذ پروانه و براساس مقررات این دستورالعمل باشد، داوری حرفه‌ای و در غیر این صورت داوری غیر حرفه‌ای است؛
- «داور»: شخص ثالث حقیقی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از سوی طرفین به منظور حل و فصل اختلاف انتخاب می‌شود؛
- «نهاد/نهادهای داوری»: شخص حقوقی دارای قواعد و آیین داوری، اعم از مؤسسه‌ها، سازمان‌ها و مراکز داوری که مطابق ماده ۶ این دستورالعمل تشکیل شده و موضوع فعالیت اصلی آن انجام امور اداری مرتبط با داوری و نظارت بر آن است؛

قوانین و مقررات عمومی

۱۴۰۰/۱۱/۱۳

شماره ۹۰۰۰/۷۵۸۴۸/۱۰۰

جناب آقای دکتر اکبر پور

رئیس محترم هیأت مدیره و مدیرعامل روزنامه رسمی کشور

تصویر دستورالعمل شماره ۹۰۰۰/۷۵۷۷۵/۱۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۳ ریاست محترم قوه قضاییه در خصوص «ساماندهی حل و فصل اختلافات از طریق داوری و ایجاد و توسعه نهادهای داوری» جهت استحضار به پیوست ایفاد می‌گردد.

مدیرکل دبیرخانه قوه قضاییه - دکتر محسن محدث

۱۴۰۰/۱۱/۱۳

شماره ۹۰۰۰/۷۵۷۷۵/۱۰۰

دستورالعمل ساماندهی حل و فصل اختلافات از طریق داوری و ایجاد و توسعه نهادهای داوری

در اجرای بند الف ماده ۱۱۶ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰ - ۱۳۹۶) مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی

**ماده ۷-** فعالیت اشخاص به عنوان داور حرفه‌ای منوط به اخذ پروانه از مرکز، تبیین مفاد این دستورالعمل، گذراندن دوره‌های آموزشی و ادای سوگند در حضور رییس مرکز یا نماینده وی است. مرکز برای هر یک از داوران شناسه مخصوص تعریف و نهاد داور ناظر را نیز مشخص می‌نماید.

**ماده ۸-** داوران حرفه‌ای از بین دانش آموختگان دارنده دانشنامه کارشناسی یا سطح ۲ حوزه در رشته‌های مورد نیاز ارزیابی و جذب می‌شوند.

**ماده ۹-** شرایط جذب، آموزش ابتدا و ضمن خدمت، صدور، تمدید یا لغو پروانه داور و تأسیس دفتر داوران بر اساس شیوه‌نامه‌ای است که مرکز ظرف حداکثر سه ماه از تاریخ ابلاغ این دستورالعمل تهیه و اجرا می‌نماید.

#### فصل چهارم - اعتمادسازی، ایجاد اقبال عمومی و حمایت از داور حرفه‌ای

**ماده ۱۰-** مرکز رسانه قوه قضاییه با همکاری مرکز و کانون‌های داوران استانی با استفاده از ظرفیت رسانه و فضای مجازی، ضمن معرفی داور و فواید آن به آحاد مردم و بخش‌های تخصصی، برای ایجاد اعتماد و اقبال عمومی به داور اقدام می‌کند.

**ماده ۱۱-** مرکز با همکاری کانون‌های استانی، گسترش و ترویج انعقاد شرط یا موافقت‌نامه داور را در محدوده مقررات مواد ۴۵۴ تا ۴۵۷ و ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ پیگیری می‌نماید.

**ماده ۱۲-** کانون‌های داور از طریق تعامل با بانک‌ها و مؤسسات مالی، حمایت‌های لازم از نهادهای داور از جمله پیگیری اختصاص تسهیلات برای تأسیس مؤسسات را به عمل می‌آورند.

#### فصل پنجم - رسیدگی و اجرای رأی داور

**ماده ۱۳-** نهادهای تخصصی داور در حوزه‌های مورد نیاز مانند حقوق خانواده و حوزه صنعت و بازرگانی با رعایت مقررات مواد ۶ و ۹ این دستورالعمل ایجاد خواهد شد.

**ماده ۱۴-** مرکز با همکاری مرکز آمار و فناوری اطلاعات تدابیر لازم را برای گسترش استفاده از داور برخط و الکترونیک اتخاذ می‌نماید.

**ماده ۱۵-** شورای حل اختلاف می‌تواند همکاری لازم را درباره استعلام‌های مورد نیاز داوران و نهادهای داور صورت دهد.

**ماده ۱۶-** رؤسای دادگستری استان‌ها در تمام شهرستان‌ها در اجرای آیین‌نامه شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی، مصوب ۱۳۹۸/۲/۲۸ به تعداد مورد نیاز شعبه یا شعبی را به طور ویژه برای رسیدگی به دعوی مربوط به داور نظیر دعوی ابطال رأی داور اختصاص می‌دهند.

**ماده ۱۷-** رؤسای حوزه‌های قضایی تمهیدات لازم را برای ترویج داور و ترغیب طرفین دعوا به حل و فصل اختلاف از طریق داور انجام خواهند داد.

**ماده ۱۸-** واحدهای اجرای احکام آرای داور را در محدوده مقررات مربوطه و لحاظ سرعت لازم اجرا می‌نمایند.

**ماده ۱۹-** حق الزحمه داوران و نهادهای داور بر اساس آیین‌نامه موضوع ماده ۴۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ می‌باشد.

این دستورالعمل در ۱۹ ماده و ۳ تبصره در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید و از تاریخ ابلاغ لازم‌الاجرا می‌باشد.

رئیس قوه قضاییه - غلامحسین محسنی اژیه

شماره ۹۰۰۰/۷۵۹۷۳/۱۰۰ ۱۴۰۰/۱۱/۱۳

جناب آقای دکتر اکبرپور

رئیس محترم هیأت مدیره و مدیرعامل روزنامه رسمی کشور

تصویر دستورالعمل شماره ۹۰۰۰/۷۵۹۳۰/۱۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۳ ریاست محترم قوه قضاییه در خصوص «تعیین نحوه و میزان دسترسی به سامانه سجل محکومیت‌های مالی» جهت استحضار به پیوست ایفاد می‌گردد.

مدیرکل دبیرخانه قوه قضاییه - دکتر محسن محدث

شماره ۹۰۰۰/۷۵۹۳۰/۱۰۰ ۱۴۰۰/۱۱/۱۳

**دستورالعمل تعیین نحوه و میزان دسترسی به سامانه سجل محکومیت‌های مالی** در اجرای بند پ ماده ۱۱۶ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و در راستای تبصره ذیل ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی بند

۵ - «مرکز»: مرکز توسعه حل اختلاف؛

**ماده ۲-** اصول کلی حاکم بر مقررات این دستورالعمل به شرح زیر است:

۱- دستیابی به حل و فصل عادلانه و متقن اختلافات توسط داور مستقل، بی‌طرف، با کمترین هزینه و در سریعترین زمان ممکن؛

۲- توسعه داور حرفه‌ای مبتنی بر نظام صلاحیت‌سنجی عمومی، علمی و حرفه‌ای و ضوابط انتخاب اصلح؛

۳- گسترش داورهای الکترونیک و تخصصی؛

۴- اعتمادسازی و ایجاد اقبال عمومی برای مراجعه به نهاد داور و حمایت از آن؛

۵ - ساماندهی نظام داور از طریق تعیین و تفکیک وظایف نهادهای حاکمیتی، صنفی و عملیاتی بخش خصوصی؛

۶ - مداخله حداقلی مراجع قضایی در حوزه داور بر اساس قوانین و مقررات؛

۷- تحکیم و تقویت نظارت بر نهادهای داور.

#### فصل دوم - تشکیلات

**ماده ۳-** برنامه‌ریزی، اعطای پروانه و تمدید آن، لغو پروانه، ساماندهی و نظارت در حوزه داور بر عهده مرکز توسعه حل اختلاف است. این مرکز می‌تواند بخشی از وظایف خود را به کانون‌های داور واگذار نماید.

**ماده ۴-** به منظور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان توسعه داور در کشور، شورای مشورتی داور در مرکز با اعضای زیر تشکیل می‌شود:

۱. رییس مرکز (رییس شورا)؛

۲. رؤسای مراکز داور که به موجب قانون ایجاد شده‌اند؛

۳. دو نفر از رؤسای کانون‌های داور سراسر کشور و یکی از داوران ممتاز به انتخاب آن‌ها؛

۴. دو نفر از اساتید حوزه یا دانشگاه به انتخاب رییس مرکز؛

۵. مدیرکل توسعه امور میانجی‌گری و داور مرکز به عنوان دبیر شورا؛

**ماده ۵-** کانون داور نهادی غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی مستقل است که بر طبق اساسنامه مصوب و با تأیید و نظارت مرکز در استان‌ها تشکیل می‌شود و عهده دار وظایف زیر است:

۱- ترویج فرهنگ سازش و حل و فصل اختلافات از طریق داور؛

۲- تلاش در جهت ارتقای دانش علمی و عملی در امور حقوقی و داور از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی و بازآموزی حرفه‌ای، همایش‌های تخصصی و انتشار نشریات علمی؛

۳- تلاش در جهت کاهش هزینه‌های داور و اظهارنظر مشورتی درباره تعیین تعرفه‌ها؛

۴- ارایه نظر مشورتی به داوران و نهادهای داور در راستای تقویت آرای داور؛

۵ - تلاش در جهت ارتقای سلامت نظام داور و حفظ جایگاه و شأن داوران و نهادهای داور و حمایت از حقوق صنفی و حرفه‌ای؛

۶ - نظارت بر فعالیت‌های صنفی و حرفه‌ای داوران و نهادهای داور و رسیدگی به تخلفات آن‌ها بر اساس مقررات اساسنامه؛

۷- انجام اقدامات مقتضی به منظور تعمیم و گسترش خدمات بیمه درمانی برای داوران و کارکنان اداری نهادهای داور و افراد تحت تکفل و ایجاد بستری مناسب جهت برخورداری از مزایای بیمه مسئولیت مدنی داوران و نهادهای داور؛

۸ - دریافت سهم کانون از درآمدهای داور و مصرف آن در راستای انجام وظایف؛

۹- ارجاع دعوی به مؤسسات و داوران عضو در صورت تعیین کانون به عنوان مقام ناصب؛

۱۰- سایر امور موضوع ماده ۳ دستورالعمل که از سوی مرکز تفویض می‌گردد.

**تبصره -** نهادهای داور که بر اساس اساسنامه یا آیین داور مقرراتی در خصوص رسیدگی به تخلفات داوران دارند، به تخلفات آنان در همان نهاد رسیدگی می‌شود.

#### فصل سوم - شرایط ورود به حرفه داور

**ماده ۶-** نهاد داور حرفه‌ای به یکی از روش‌های زیر تأسیس می‌شود:

به موجب قانون؛

تشکیل نهاد داور با شخصیت حقوقی مستقل و اخذ پروانه از مرکز؛

**تبصره ۱-** نهادهای داور که به موجب قوانین خاص تشکیل شده‌اند الزامی به اخذ پروانه از مرکز ندارند.

**تبصره ۲-** دارندگان مدارک حوزوی و یا دانشگاهی در رشته‌های حقوق یا الهیات با گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، در مقطع کارشناسی ارشد یا سطح سه حوزه، می‌توانند پس از موفقیت در مراحل ارزیابی، به عنوان مدیر نهاد داور پروانه تأسیس دریافت کنند.

مذکور و به منظور تعیین نحوه دسترسی به سامانه سجل محکومیت‌های مالی، طبقه‌بندی و تعیین اطلاعات غیرقابل دسترس و آموزش بهره‌برداران، دستورالعمل تعیین نحوه و میزان دسترسی به سامانه سجل محکومیت‌های مالی، به شرح مواد آتی است.

**ماده ۱-** تعاریف و اختصارات بکار رفته در این آیین‌نامه به شرح ذیل است:

قانون برنامه ششم: قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

آیین‌نامه: آیین‌نامه اجرایی بند (پ) ماده (۱۱۶) قانون برنامه ششم.

سامانه: سامانه موضوع بند (۳) ماده (۱) آیین‌نامه.

بهره‌برداران: بهره‌برداران موضوع بند (۵) ماده (۱) آیین‌نامه.

مرکز: مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه.

استعلام‌شونده: شخصی که اطلاعات موضوع بند ۶ ماده یک آیین‌نامه در مورد او از سامانه استعلام می‌شود.

**ماده ۲-** دسترسی به اطلاعات سامانه در موارد زیر مجاز است:

الف. به موجب قانون یا مقررات دسترسی به این اطلاعات تجویز شده باشد.

ب. با رضایت استعلام‌شونده

**تبصره -** در مورد بند (ب) چنانچه استعلام‌شونده شخص حقوقی باشد موافقت بالاترین مسئول شخص حقوقی یا مقام مجاز مقرر در قانون یا اساسنامه لازم است.

**ماده ۳-** مرکز موظف است جهت استفاده بهره‌برداران از سامانه اقدامات زیر را انجام دهد:

الف. فراهم نمودن امکان استفاده برخط بهره‌برداران از سامانه بر بستر شبکه ملی عدالت؛  
ب. طراحی سامانه به منظور جلوگیری از اشتباهات مربوط به تشابه اسمی اشخاص، به نحوی که استعلام بر اساس شماره ملی اشخاص حقیقی و شناسه ملی اشخاص حقوقی و در مورد اتباع بیگانه شناسه یکتا یا شماره گذرنامه انجام شود.

پ. پیش‌بینی امور مربوط به آموزش سامانه از جمله راهنمای کاربری و شرایط بهره‌برداری و نحوه انجام استعلامات و دوره‌های آموزشی به صورت الکترونیکی به بهره‌برداران؛  
ت. فراهم نمودن امکانات لازم جهت ثبت و تکمیل اطلاعات مربوط به محکومیت‌های مالی در سامانه‌های قضایی برای مراجع قضایی؛

ث. رعایت تمهیدات امنیتی جهت حفظ محرمانگی و حریم خصوصی اشخاص در طراحی سامانه و ارائه پاسخ به استعلامات صرفاً در موارد مذکور در ماده ۲ این دستورالعمل؛

ج. فراهم نمودن امکان ثبت تغییرات و به روز رسانی اطلاعات سامانه؛

چ. نگهداری سوابق استعلامات با ثبت بهره‌بردار و کاربر استعلام‌کننده؛

ح. فراهم نمودن امکان ثبت اعتراض استعلام‌شونده و ذی‌نفع نسبت به پاسخ‌های ارسالی برای بهره‌برداران در سامانه.

**تبصره -** مرجع صالح از قبیل اجرای احکام دادگستری و دوایر اجرای ثبت، حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز موارد اعتراض را بررسی و نتیجه را از طریق سامانه ابلاغ به اطلاع معترض رسانده و در صورت نیاز به تصحیح پاسخ استعلام، موارد را در قالب پاسخ استعلام جدید برای بهره‌برداران ارسال می‌نماید.

**ماده ۴-** سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است:

الف. اطلاعات کلیه پرونده‌های اجرایی که پس از مدت بیست روز از ابلاغ اجراییه هنوز اجرا نشده است و همچنین اطلاعات متعهدانی که پس از تصویب قانون برنامه ششم ظرف مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ اجراییه به تعهد خود عمل ننموده‌اند را به صورت خودکار در سامانه قرار دهد.

ب. تغییرات مربوط به وضعیت متعهد سند لازم‌الاجراء اعم از اجرای مفاد سند، اعلام رضایت متعهدله، ابطال اجراییه یا سایر تغییرات موثر در وضعیت متعهد را در سامانه به‌روزرسانی نماید.

پ. ضوابط ابلاغی از سوی مرکز جهت تبادل اطلاعات را رعایت نماید.

ت. با نظارت بر عملکرد کاربران از تاخیر یا اشتباه در ثبت اطلاعات فوق جلوگیری نماید.

**ماده ۵-** بهره‌برداران جهت استفاده از سامانه مکلف به رعایت موارد زیر می‌باشند.

الف. طراحی سامانه‌های خود به منظور امکان استعلام برخط از طریق شبکه ملی عدالت؛  
ب. رعایت ضوابط ابلاغی از سوی مرکز جهت بهره‌برداری از سامانه؛

پ. فراهم نمودن امکان احراز هویت کاربران و اطلاعات نشانی اینترنتی (IP) برای مرکز؛

ت. جلوگیری از بهره‌برداری غیرمجاز با نظارت بر عملکرد کاربران؛

ث. رعایت سازوکارهای امنیتی لازم جهت بهره‌برداری از سامانه و حفظ اطلاعات دریافتی؛

ج. حفظ امنیت اطلاعات، محرمانگی و حریم خصوصی استعلام‌شوندگان.

**ماده ۶-** در موارد زیر سابقه استعلام‌شونده از سامانه حذف می‌شود:

الف. بلاثر شدن محکومیت مالی به موجب حکم قطعی؛

ب. ابطال اجراییه ثبتی از سوی مرجع صلاحیت‌دار؛

پ. اعاده اعتبار ورشکسته در احکام ورشکستگی؛

ت. اجرای کلیه محکومیت‌های مالی و اجراییه ثبتی، مشروط بر اینکه از آخرین محکومیت یا اجراییه اجرا شده شش ماه گذشته و پس از آن محکومیت‌مالی یا اجراییه دیگری برای وی ثبت نشده باشد.

**تبصره -** در صورت رضایت متعهدله یا اجرای مفاد اجراییه‌های ثبتی و همچنین در صورتی که پرونده در مرجع قضایی به هر نحو مختومه گردد، بلافاصله در سامانه، سوءاثرهای موضوع تبصره ۲ بند ب ماده ۱۱۳ قانون برنامه ششم رفع می‌گردد، لیکن حذف اطلاعات از سامانه منوط به رعایت بند "ت" این ماده می‌باشد.

**ماده ۷-** در موارد زیر وضعیت محکومیت مالی به روزرسانی و در پاسخ به استعلامات حسب مورد آخرین تصمیم قضایی ارائه می‌شود:

الف. صدور قرار قبولی اعاده دادرسی؛

ب. صدور قرار توقف یا تاخیر اجراء در موارد قانونی؛

پ. اصلاح یا تغییر محکوم‌به؛

ت. صدور قرار قبولی دادخواست واخواهی؛

ث. قبول دادخواست تجدیدنظرخواهی خارج از مهلت؛

ج. صدور حکم به اعسار یا تقسیط محکوم‌به؛

چ. تصمیم قاضی اجرای احکام کیفری مبنی بر غیرقابل اجراء بودن حکم؛

ح. صدور قرار توقف عملیات اجرایی ثبت؛

خ. سایر مواردی که در حکم یا نحوه اجرای آن تغییراتی ایجاد شود.

**ماده ۸-** استعلام از سامانه و مرجع استعلام‌کننده به طریق مقتضی، از جمله ارسال پیامک به استعلام‌شونده اطلاع‌رسانی و پاسخ استعلام نیز به حساب کاربری وی در سامانه ابلاغ ارسال می‌شود، مگر در مواردی که عدم اطلاع‌رسانی به تصویب کمیته تشخیص موضوع تبصره ۲ ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی نحوه و میزان دسترسی به اطلاعات مرکز ملی داده‌های قوه قضاییه، مصوب ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ رسیده باشد.

**ماده ۹-** به منظور ایجاد شفافیت و تعیین منشأ محکومیت مالی، علاوه بر موضوع محکومیت، مبنای صدور حکم که ناشی از ضمان قهری یا تعهدات مالی معوض یا غیرمعوض بوده در اطلاعات مربوط به محکومیت‌های مالی اعلام می‌شود.

**ماده ۱۰-** مراجع قضایی موظف‌اند در راستای دستورالعمل ثبت و تکمیل اطلاعات سامانه‌های قضایی، مصوب ۱۳۹۹/۶/۱۷ نسبت به شناسایی و ثبت شماره یا شناسه ملی محکومان مالی که فاقد این اطلاعات هستند اقدام و حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ راه‌اندازی سامانه، اطلاعات مربوط به محکومیت‌های مالی را با رعایت مفاد آیین‌نامه ثبت یا به‌روزرسانی نمایند.

**ماده ۱۱-** در اجرای بند الف ماده ۱۵ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، مصوب ۱۳۸۸ مرکز موظف است خدمت الکترونیکی استعلام محکومیت‌های مالی اشخاص حقیقی و حقوقی را ارائه نماید تا در صورت رضایت شخص استعلام‌شونده امکان استعلام برای اشخاص ثالث فراهم شود.

**ماده ۱۲-** بهره‌برداران مکلف‌اند اطلاعات دریافت شده از سامانه را صرفاً جهت اعتبارسنجی و شفافیت اقتصادی استفاده و از نشر یا اعلام آن، مگر به موجب قانون، خودداری کنند.

**ماده ۱۳-** مسئولیت نظارت بر اجرای دقیق این دستورالعمل و نحوه استفاده کاربران از اطلاعات دریافت شده، به عهده بهره‌برداران بوده و مقامات، مدیران و سرپرستان مستقیم هر واحد، در صورت کشف تخلف مسئول اعلام آن به مراجع ذیصلاح هستند.

**ماده ۱۴-** این دستورالعمل در ۱۴ ماده و ۳ تبصره در تاریخ ۱۴۰۰/۱۱/۱۳ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید و از تاریخ تصویب لازم‌الاجراء است.

رئیس قوه قضاییه - غلامحسین محسنی اژه‌یه

شماره ۱۱۰/۱۳۴۱۳/۹۰۰۰

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور

گزارش پرونده وحدت رویه قضایی ردیف ۷۲/۱۴۰۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور با مقدمه و رأی شماره ۸۱۸ - ۱۴۰۰/۱۰/۷ به شرح ذیل تنظیم و جهت انتشار ارسال می‌گردد. مستشار و مدیرکل هیأت عمومی دیوان عالی کشور - محمدعلی شاه‌حیدری‌پور

## مقدمه

جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور در مورد پرونده وحدت رویه ردیف ۷۲/۱۴۰۰ ساعت ۸:۳۰ روز سه‌شنبه، مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۷ به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سید احمد مرتضوی مقدم، رئیس محترم دیوان عالی کشور، با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محسن موسوی، نماینده محترم دادستان کل کشور و با شرکت آقایان رؤساء، مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب دیوان عالی کشور، در سالن هیأت عمومی تشکیل شد و پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید، قرائت گزارش پرونده و طرح و بررسی نظریات مختلف اعضای شرکت کننده در خصوص این پرونده و استماع نظر نماینده محترم دادستان کل کشور که به ترتیب ذیل منعکس می‌گردد، به صدور رأی وحدت رویه قضایی شماره ۸۱۸ - ۱۴۰۰/۱۰/۷ منتهی گردید.

## الف) گزارش پرونده

به استحضار می‌رساند، آقای عباس ذاقلی، معاون قضایی محترم رئیس کل دادگستری استان تهران، با اعلام اینکه از سوی شعب بیستم و بیست و سوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران، در خصوص قابل استماع بودن اعتراض شخص ثالث نسبت به قسمتی از رأی کیفری دادگاه‌ها که راجع به رد مال است، آراء مختلف صادر شده، طرح موضوع را در هیأت عمومی دیوان عالی کشور درخواست کرده است که گزارش امر به شرح آتی تقدیم می‌شود:

الف) به حکایت دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۱۸۱۲۰۰۷۹۰ - ۱۳۹۸/۶/۶ شعبه ۱۱۷۲ دادگاه کیفری دو تهران، در خصوص اتهام آقایان محمدرهام ... و حیدر ... دایر بر انتقال مال غیر، چنین رأی داده شده است:

«با توجه به شکایت بزه دیده آقای حیدرعلی ... تصویر قراردادهای عادی ... دفاعیات غیر موجه وکیل ایشان ... اتهامات انتسابی به متهمان محرز و مسلم ... است به استناد ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری و ماده یک قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر و ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی [۱۳۹۲] آقای محمدرهام ... را به تحمل سه فقره حبس هر یک به مدت هفت سال و رد اموال مورد انتقال به شاکي و پرداخت جزای نقدی معادل ثمن مأخوذه وفق قراردادهای فوق‌الذکر مبلغ سه میلیارد ریال از بابت انتقال ملک به آقای علی ...، سه میلیارد و هشتصد میلیون ریال از بابت انتقال ملک به آقای علی اکبر ... و سه میلیارد و چهارصد و پنجاه میلیون ریال از بابت انتقال ملک به خانم نازیلا ... و آقای حیدر ... را به تحمل دو فقره حبس هریک به مدت هفت سال و رد اموال مورد انتقال به شاکي و پرداخت دو فقره جزای نقدی معادل ثمن مأخوذه عبارت از سه میلیون و دویست و هشتاد هزار ریال بابت انتقال ملک به خانم فرشته ... و سه میلیارد و چهارصد و هفتاد میلیون ریال معادل ملک مورد انتقال به مجید ... محکوم می‌نماید. لازم به ذکر است که صرفاً مجازات اشد در مورد متهمان قابل اجرا می‌باشد چنانچه مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیر قابل اجرا شود کیفر اشد بعدی اعمال خواهد شد.»

پس از تجدیدنظرخواهی از دادنامه مذکور، شعبه بیستم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۱۷۴۲ - ۹۸۰۹۹۷۰۲۲۲۰۰۱۳۹۸/۱۰/۴ - ۱۳۹۸/۱۰/۴، چنین رأی داده است:

«... با بررسی و مذاقه مجدد جامع اوراق پرونده و نظر به اینکه موضوع محاسبه جزای نقدی هردو محکوم‌علیه متضمن اشتباه است که با استفاده از ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری و اصلاح جزای نقدی به سه فقره و دو فقره جزای نقدی به میزان بالاترین وجه مأخوذه از خریداران اعلام می‌گردد. دادگاه با توجه به محتویات پرونده و مفاد لایحه تجدیدنظرخواهی، نظر به این که بزه منتسب حسب اوراق و مندرجات پرونده و دلایل منعکس در رأی، محرز بوده و ایراد و اعتراض موجه و مؤثری که موجبات نقض و بی‌اعتباری دادنامه معترض‌عنه را ایجاب نماید، ابراز و اقامه نشده و از حیث رعایت تشریفات قانونی و مبانی استنباط و توجه به مستندات، فاقد اشکال می‌باشد، لذا با رد اعتراض،

به‌استناد بند الف ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری، دادنامه تجدیدنظرخواسته، با وصف اصلاح تأیید می‌گردد.»

با اعتراض اشخاص ثالث نسبت به قسمتی از این دادنامه که راجع به رد مال است، شعبه بیستم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۲۱۶۴ - ۹۹۰۹۹۷۰۲۲۲۰۰۱۳۹۹/۱۰/۹ - ۱۳۹۹/۱۰/۹، چنین رأی داده است:

«... با عنایت به مجموع اوراق و محتویات پرونده ملاحظه می‌شود اولاً: حکم تبصره یک ماده ۲۱۵ قانون [مجازات اسلامی ۱۳۹۲] که مورد استناد معترضین ثالث واقع شده است، در مورد متضرر از قرار بازپرس، دادستان و یا حکم دادگاه از جهت لزوم تعیین تکلیف در ارتباط با اموال و اشیاء کشف شده از جرائم است و از نظر این دادگاه حکم مذکور دلیلی بر تجویز و پذیرش دعوی اعتراض ثالث حقوقی نسبت به احکام کیفری قطعیت یافته محسوب نمی‌شود، ثانیاً: مقررات مواد ۴۱۷ به بعد قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز ناظر به دعوی اعتراض ثالث در احکام حقوقی (مدنی) صرف است و شامل احکام کیفری نمی‌شود و مقررات قانونی مذکور جواز برای ورود مجدد به پرونده‌های کیفری و احکام قطعیت یافته که در مورد اشخاص دیگری غیر از معترضین ثالث است و سابقاً در ارتباط با آنها رسیدگی، تعیین تکلیف و اظهارنظر شده است محسوب نمی‌شود؛ علی‌هذا با توجه به مراتب مرقوم، دعوی مذکور مطابق مقررات قانونی اقامه نشده است و به این لحاظ قرار رد دعوی معترضین ثالث صادر و اعلام می‌گردد. رأی صادره قطعی است.»

ب) به حکایت دادنامه شماره ۲۸۳ - ۹۴۰۹۹۷۲۱۹۰۶۰۰۲۸۳ - ۱۳۹۴/۴/۶ شعبه ۱۰۳۱ دادگاه کیفری دو تهران، در خصوص اتهام آقای جعفر ... دایر بر انتقال مال غیر، چنین رأی داده شده است:

«... با توجه به تصویر مصدق نظریه کارشناس ...، تحقیقات مرجع انتظامی، پاسخ استعلام اداره ثبت و تصویر قراردادهای ... پیش فروش و سایر قرائن و امارات موجود در پرونده دادگاه ... اتهام انتسابی به متهم را محرز و مسلم دانسته و مستنداً به ماده ۱۳ قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹ و ماده ۱۳ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر ناظر به ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری حکم به محکومیت متهم به تحمل سه سال حبس تعزیری و پرداخت جزای نقدی به مبلغ یک میلیارد و ششصد و پنجاه میلیون ریال در حق دولت و رد مال طبق نظریه کارشناس در حق شاکي صادر و اعلام می‌نماید.»

با توجه به اینکه، این رأی غیابی بوده و از آن واخواهی شده است، شعبه ۱۰۳۱ دادگاه کیفری دو تهران به موجب دادنامه شماره ۱۵۳۴ - ۹۵۰۹۹۷۲۱۹۰۶۰۰۱۵۳۴ - ۹۵۰۹۹۷۲۱۹۰۶۰۰۱۵۳۴، ضمن رد واخواهی، دادنامه واخواسته را تأیید کرده است.

پس از تجدیدنظرخواهی از دادنامه مذکور، شعبه بیست و سوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۱۵۹۱ - ۹۶۰۹۹۷۰۲۲۲۳۰۱۵۹۱ - ۱۳۹۶/۱۰/۱، چنین رأی داده است:

«... نظر به اینکه تجدیدنظرخواه در محدوده تجدیدنظرخواهی ایراد و دفاع مؤثری که از جهات شکلی و یا ماهیتی مندرج در ماده ۴۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری باشد، اقامه نموده و از نظر این دادگاه ایضاً دادنامه تجدیدنظرخواسته منطبق با موازین قانونی و دلایل موجود در پرونده اصدار یافته و ایرادی که موجب نقض باشد، مشهود نیست ...، لهذا دادگاه به استناد بند الف ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ضمن رد تجدیدنظرخواهی تجدیدنظرخواه دادنامه تجدیدنظرخواسته را تأیید می‌نماید.»

با اعتراض اشخاص ثالث نسبت به قسمتی از این دادنامه که راجع به رد مال است، شعبه بیست و سوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران به موجب دادنامه شماره ۲۲۰ - ۹۸۰۹۹۷۰۲۲۲۳۰۰۱۳۹۸/۲/۱۷ - ۹۸۰۹۹۷۰۲۲۲۳۰۰۱۳۹۸/۲/۱۷، چنین رأی داده است:

«... صرف نظر از اینکه در خصوص پذیرش و یا عدم پذیرش دعوی اعتراض ثالث در جرائم کیفری اختلاف رویه و دیدگاه مابین علمای حقوق و همچنین قضات محاکم قضایی وجود داشته ولیکن این دادگاه از وحدت ملاک برگرفته از قانون آیین دادرسی مدنی خاصه ماده ۴۱۸ این قانون که مقنن اشعار داشته شخص ثالث حق دارد به هرگونه رأی صادره از دادگاه‌های عمومی و انقلاب و تجدیدنظر اعتراض نماید و ایضاً مقنن در مواد ۴۱۷ و ۴۲۲ این قانون بر پذیرش آن تأکید داشته است و از سوی دیگر پر واضح است که دادگاه‌های عمومی به شرح ماده ۴ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی هم

دربگیرنده دادگاه‌های عمومی جزائی است (کیفری) و هم دادگاه‌های عمومی حقوقی افزون بر آن مستنبط از مقررات ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی آن است که شخص ثالث که در جریان دادرسی جزائی مداخله نداشته و از این حیث به حقوق ایشان خللی وارد شده می‌تواند نسبت به رأی صادره از محکمه کیفری از حیث رد مال و یا ضبط آن اعتراض کند (البته لازم به یادآوری است این [امر] در اغلب موارد در مورد جرائم کلاهبرداری - انتقال مال غیر - که رد مال مورد حکم قرار می‌گیرد [قابلیت] تسری دارد) زیرا به دیدگاه اکثر علمای حقوق و رویه جاری محاکم رد مال تعیین شده در عناوین مجرمانه موصوف صرفاً جنبه جزایی ندارند مع الوصف به دیدگاه هیأت حاکمه این دادگاه دعوی اعتراض ثالث نیز همانطوری که در دعوی حقوقی مورد پذیرش محاکم قضایی قرار گرفته در بعضی از احکام کیفری نیز پذیرش آن با معاذیر قانونی مواجه نیست و لکن در موضوع مطروحه دادگاه با مذاقه در مباحثه‌نامه‌های تنظیمی مضبوط در پرونده... و همچنین... با مذاقه در دادنامه شماره ۹۵۴۵۷ مورخ ۱۳۹۵/۴/۲۹ صادره از شعبه ۱۰۳۱ دادگاه کیفری دو تهران (قرار اناطه) و دادنامه شماره ۹۵۱۱۲۱ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۳... صادره از شعبه ۴۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران... و ایضاً ملاحظه دادنامه اصلاحی مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۷ صادره از شعبه ۱۰۳۱ دادگاه کیفری دو تهران... در راستای دادنامه غیابی شماره ۹۴۶۰۰۲۸۲ [۰۰۲۸۳] مورخ ۱۳۹۴/۴/۶ صادره از شعبه مذکور... اعتراض معترض ثالث به شرح مراتب اعلامی خللی بر حق اثباتی ایشان وارد نمی‌کند در مانحن‌فیه دعوی اعتراض ثالث معترض نسبت به دادنامه شماره ۹۶۳۰۱۵۹۱ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۳ صادره از شعبه ۲۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در پرونده کلاسه ۹۳۷۰۰۲۰۸ را غیر وارد تشخیص داده و مستنداً به ماده ۱۹۷، ۴۱۷ و ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به بطلان دعوی معترض ثالث صادر و اعلام می‌نماید.

چنانکه ملاحظه می‌شود، شعب بیستم و بیست و سوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران، در خصوص قابل استماع بودن اعتراض شخص ثالث نسبت به قسمتی از رأی کیفری دادگاه‌ها که راجع به رد مال است، اختلاف نظر دارند به طوری که شعبه بیستم با این استدلال که مقررات مواد ۴۱۷ و بعد قانون آیین دادرسی در امور مدنی ناظر به احکام حقوقی (مدنی) صرف است و شامل احکام کیفری نمی‌شود و تبصره ۱ ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مورد اعتراض متضرر از تصمیمات بازپرس، دادستان و دادگاه از جهت تعیین تکلیف در ارتباط با اموال و اشیاء کشف شده از جرایم است، لذا در سایر موارد، اعتراض اشخاص ثالث نسبت به آراء کیفری دادگاه‌ها را قابل استماع ندانسته است، اما شعبه بیست و سوم با استناد به مواد ۴۱۷ و ۴۱۸ قانون آیین دادرسی در امور مدنی و با استدلال مندرج در آن، اعتراض شخص ثالث را نسبت به قسمتی از رأی کیفری دادگاه که راجع به رد مال بوده است، قابل استماع دانسته است.

بنا به مراتب، در موضوع مشابه، اختلاف استنباط محقق شده است، لذا در اجرای ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری به منظور ایجاد وحدت رویه قضایی، طرح موضوع در جلسه هیأت عمومی دیوان عالی کشور درخواست می‌گردد.

معاون قضایی دیوان عالی کشور در امور هیأت عمومی - غلامرضا انصاری

### ب) نظریه نماینده محترم دادستان کل کشور

احتراماً، در خصوص پرونده وحدت رویه ردیف ۱۴۰۰/۷۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، با موضوع اختلاف نظر بین دادگاه‌ها در مورد قابلیت یا عدم قابلیت استماع دعوی اعتراض ثالث نسبت به حکم کیفری در قسمت راجع به رد مال؛ در اجرای ماده ۴۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری به شرح زیر اظهار عقیده می‌نمایم. اولاً یکی از اصول مسلم حقوقی اصل نسبی بودن اثر آراء محاکم است. به این معنی که رأی فقط نسبت به کسانی که در دعوا به عنوان اصیل یا قائم مقام قانونی آنها دخالت داشته‌اند دارای اثر مستقیم و اجرایی است و نسبت به اشخاص دیگر که در دادرسی دخالت نداشته‌اند فاقد هرگونه اثر اجرایی می‌باشد، به همین جهت هرگاه در اثر رأیی به حقوق شخص دیگری به‌عنوان ثالث خللی وارد شود، حق اعتراض به آن رأی برای شخص ثالث محفوظ خواهد بود؛ در حقوق کیفری به جهت ویژگی‌های خاصی که دادرسی کیفری دارد، این اصل به نحوی مضیق‌تر نمود پیدا کرده و چهره‌ای از آن به عنوان اصل شخصی بودن مجازات‌ها شناسایی شده است، این اصل یکی از اصول بنیادین حقوقی است که در تمام نظام‌های حقوقی از جمله اسلام پذیرفته شده است. مطابق این اصل که مبتنی بر موازین شرعی از جمله آیه

### ج) رأی وحدت رویه شماره ۸۱۸ - ۱۴۰۰/۱۰/۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

با توجه به تبصره ۱ ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و تبصره ۲ ماده ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، اعتراض شخص ثالث متضرر از رأی دادگاه کیفری راجع به اشیاء و اموال مذکور در این مواد، قابل رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر استان است، بنابراین در مواردی که شخص ثالث بعد از

مؤدیان مکلفند مالیات موضوع این قانون را در تاریخ تعلق مالیات، محاسبه و از طرف دیگر معامله وصول نمایند لذا تکلیف مودی به اجرای مقررات و قوانین در زمان تعلق مالیات (ارائه خدمت یا صدور صورتحساب) بوده و تکلیفی به رعایت مقررات موخرالتصویب و احتمالی نداشته و عقلاً نیز نمی‌توانند مقررات و ضوابط زمان رسیدگی سازمان را پیش‌بینی و در صورتحساب لحاظ نمایند. ج - به موجب ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری اثرباطال مصوبات از زمان صدور رأی هیأت عمومی است لذا در فرض عدم ترتیب آثار ابطال به زمان تصویب مصوبه، تسری اثر مصوبه ابطال شده بر تکالیف مؤدیان در سنوات قبل از ابطال صحیح نمی‌باشد. د - هر اهل فنی از پاسخ صادره از معاونت حقوقی، پیشگیری و پژوهش دیوان عدالت اداری در راستای استفسار صورت گرفته، چنین متوجه می‌گردد که اثر قانون نسبت به آتیه بوده و به گذشته اثری ندارد لکن استنباط سازمان امور مالیاتی به موجب بخشنامه صادره دقیقاً مفهومی برخلاف این منظور بوده است. ه - اصولاً نظرات مشورتی صادره از ناحیه معاونت حقوقی پیشگیری و پژوهش دیوان عدالت اداری، جنبه مشورتی داشته و حتی در فرض جامع و مانع بودن نیز، لازم الاتباع نمی‌باشد.

همان‌گون که ملاحظه می‌فرمایند بخشنامه صادره صراحتاً مغایر اصول و موازین حقوقی صادر گردیده و در موارد متعددی موجب ایجاد «تکلیف مالایطاق» برای مؤدیان و بر خلاف قاعده «قبح عقاب بلا بیان» می‌باشد. مصداقاً در ابطال معافیت مصوب برای پروژه‌های مسکن مهر از پرداخت مالیات و عوارض بر ارزش افزوده (موضوع رأی شماره ۸۶ - ۱۳۹۸/۱/۲۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری) سازمان امور مالیاتی به استناد بخشنامه معترض‌عنه در رسیدگی‌های انجام شده بعد از تاریخ ابطال معافیت، اقدام به مطالبه مالیات و عوارض بر ارزش افزوده بابت سنوات قبل از ابطال می‌نماید. حال آن که اولاً: در موردی که مودی مالیاتی در زمان اعتبار مصوبه و بخشنامه قانونی «مبنی بر معافیت از وصول مبالغ مالیات و عوارض بر ارزش افزوده از کارفرمایان و پرداخت آن به سازمان» مالیات و عوارض مذکور را از کارفرما (مصرف‌کننده نهایی) دریافت نموده (و نمی‌توانسته دریافت نماید) ولیکن سازمان امور مالیاتی رسیدگی به تکالیف مزبور را در زمان بعد از ابطال مصوبه به انجام می‌رساند. آیا سازمان می‌تواند اثر ابطال مصوبه توسط هیأت عمومی را به تکالیف قانونی سابق مودی بار نماید؟ به عبارت دیگر مودی که دقیقاً بر اساس ضوابط و مصوبه قانونی مجری در زمان خود عمل نموده و تقصیری متوجه وی نیست آیا باید با این تکلیف مالایطاق روبه‌رو گردد که چرا برای مصوبه قانونی مجری در زمان خود اعتبار قائل شده! و حال که مصوبه ابطال گردیده به جهت عمل به مصوبه که تکلیف قانونی وی بوده متوجه خسارت گردد و مالیاتی که از مصرف‌کننده نهایی بنا بر معافیت وی دریافت نموده از کیسه خودش پرداخت نماید! و آیا مؤدیان می‌بایست انجام تکالیف مالیاتی خویش را بر اساس پیش‌بینی تغییر قوانین در زمان‌های آتی به انجام رسانند؟ و ثانیاً: با عنایت به نص صریح ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری (در مواردی که اثر ابطال توسط هیأت عمومی به زمان تصویب مصوبه مترتب نگردیده است) آیا سازمان امور مالیاتی می‌تواند اثر ابطال مصوبه در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری را به تکالیف سابق مؤدیان مترتب نماید؟

با عنایت به معروضات فوق و اینکه مطالبه وجوه توسط سازمان امور مالیاتی (مستند به بخشنامه معترض‌عنه) منجر به صدور برگ مطالبه و اجراییه علیه اشخاص حقوقی و حقیقی گردیده و موجودیت شرکتها و اشخاص حقیقی را برخلاف سیاست نظام مبنی بر حمایت از فعالین اقتصادی و نیز اجرای اقتصاد مقاومتی به مخاطره انداخته و تعطیلی شرکتها ناشی از اجرای بخشنامه جبران ناپذیر خواهد بود. ابتدأ صدور دستور موقت مبنی بر توقف اجرای بخشنامه تا زن صدور رأی و متعاقباً ابطال بخشنامه معترض‌عنه مورد استدعاست. ضمناً با عنایت به اینکه اجرای بخشنامه معترض‌عنه قطعاً موجب تضییع حقوق مکسبیه اشخاص گردیده و خواهد گردید، مستدعی است حسب ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری اثر ابطال را به تاریخ تصویب بخشنامه مترتب فرمایید.

شرکت مهندسان مشاور پایا راز طرح به موجب لایحه تکمیلی که به شماره ۱۴۰۰ - ۷۴۰ - ۴ مورخ ۱۴۰۰/۵/۱۳ در دبیرخانه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به ثبت رسیده اعلام کرده است که:

" به استحضار می‌رساند ابطال بخشنامه شماره ۲۳۰/۹۷/۱۱۵ - ۱۳۹۷/۸/۱۴ معاونت مالیاتهای مستقیم سازمان امور مالیاتی به جهت مغایرت با نص صریح ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری خواسته شده است و استناد به قاعده «قبح عقاب بلا بیان» و

مرحله تجدیدنظر نسبت به آن قسمت از رأی کیفری دادگاه تجدیدنظر استان که راجع به رد مال است، اعتراض کرده است، با عنایت به ملاک مواد یادشده و مقررات مربوط در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، از جمله مواد ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۲۰ و ۴۲۵ آن، دادگاه تجدیدنظر صادرکننده رأی با رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی، باید به این اعتراض رسیدگی کند. بنا به مراتب، رأی شعبه بیست و سوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران تا حدی که با این نظر انطباق دارد، به اکثریت قاطع آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شماره ۹۹۰۰۷۴۰

۱۴۰۰/۱۰/۲۹

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۶۶۸ و ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۶۶۹ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۷ با موضوع: «اتلاق بخشنامه شماره ۲۳۰/۹۷/۱۱۵ - ۱۳۹۷/۸/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور در خصوص اثر آرای هیأت عمومی در پرونده‌های مطرح در مراحل حسابرسی، تشخیص و دادرسی مالیاتی در فرضی که مقرره‌ای از جهت خلاف شرع بودن ابطال شده یا بشود و اثر ابطال آن به پرونده‌های قطعی و مختومه تسری نیابد و همچنین در فرضی که امکان پرداخت مالیات محاسبه شده جدید با کنار گذاشتن احکام مذکور در بخشنامه‌های ابطال شده قبلی توسط مؤدی وجود ندارد از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۱۰/۷ شماره دادنامه: ۲۶۶۹ - ۲۶۶۸

شماره پرونده: ۹۹۰۱۸۱۴ - ۹۹۰۰۷۴۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: شرکت‌های مهندسان مشاور پایا راز طرح - مهندسین سازه تحکیم مکان

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۲۳۰/۹۷/۱۱۵ - ۱۳۹۷/۸/۱۴

سازمان امور مالیاتی کشور

گردش کار: شاکیان به موجب دادخواست‌های جداگانه‌ای و با متن واحد ابطال

بخشنامه شماره ۲۳۰/۹۷/۱۱۵ - ۱۳۹۷/۸/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

" به استحضار می‌رساند معاون مالیاتهای مستقیم سازمان امور مالیاتی اقدام به صدور بخشنامه ۲۳۰/۹۷/۱۱۵ - ۱۳۹۷/۸/۱۴ در راستای ابلاغ نظریه شماره ۲۰۰/۲۳۳/۲۳۰ - ۹۰۰۰ - ۱۳۹۷/۷/۲۱ معاونت حقوقی پیشگیری و پژوهش دیوان عدالت اداری نموده‌اند که بخشنامه مرقوم مغایر با موازین قانونی و تفسیری غلط از نظریه مزبور بوده است. در مقام تعلیل ادعای مطروحه مبنی بر مغایر بودن بخشنامه مبحث‌عنه به استحضار می‌رساند: سازمان امور مالیاتی در ضمن بخشنامه معترض‌عنه و در مقام اعلام تاریخ اثر آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اشعار داشته‌اند: «چنانچه حسابرسی یا رسیدگی به اعتراض مالیاتی، قطعی و در زمان حاکمیت مصوبه سابق تمام مراحل قانونی را طی کرده باشد، مشمول رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیست و باید برابر مصوبه سابق عمل گردد. لیکن چنانچه مراحل حسابرسی و رسیدگی به اعتراض مالیاتی پایان نیافته باشد و پرونده در جریان باشد استناد به مصوبه سابق که به موجب رأی هیأت عمومی دیوان باطل گردیده است، فاقد وجهت قانونی است.»

حال آن که الف - به موجب ماده ۱۱ قانون مالیات بر ارزش افزوده، تاریخ تعلق مالیات مزبور در ارائه خدمات عبارتست از: «تاریخ صورتحساب یا تاریخ ارائه خدمت هر کدام که مقدم باشد حسب مورد» لذا تاریخ رسیدگی سازمان اصولاً تأثیری در تکالیف قانونی مؤدیان نخواهد داشت. ب - به موجب ماده ۲۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده،

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

"بخشنامه ۲۳۰/۹۷/۱۱۵ - ۱۳۹۷/۸/۱۴

س	آراء هیات عمومی دیوان عدالت اداری	۹۷
---	-----------------------------------	----

مخاطبین/	امور مالیاتی شهر و استان تهران
ذینفعان	ادارات کل امور مالیاتی
موضوع	درخصوص تاریخ اثر آراء هیات عمومی دیوان عدالت اداری بر پرونده‌های مطرح در مراحل حسابرسی، تشخیص و دادرسی مالیاتی
<p>به پیوست تصویر نظریه شماره ۹۰۰۰/۲۳۰/۲۳۳/۲۰ مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۱ معاون حقوقی، پیشگیری و پژوهش دیوان عدالت اداری که درخصوص اعلام چگونگی اثر آراء هیات عمومی دیوان عدالت اداری بر پرونده‌های مطرح در مراحل حسابرسی، تشخیص و دادرسی مالیاتی صادر گردیده است جهت اطلاع و بهره برداری به شرح ذیل ابلاغ می‌گردد: «چنانچه حسابرسی یا رسیدگی به اعتراض مالیاتی، قطعی و در زمان حاکمیت مصوبه سابق تمام مراحل قانونی را طی کرده باشد، مشمول رأی هیات عمومی دیوان نیست و باید برابر مصوبه سابق عمل گردد. لیکن چنانچه مراحل حسابرسی و رسیدگی به اعتراض مالیاتی پایان نیافته باشد و پرونده در جریان باشد استناد به مصوبه سابق که به موجب رأی هیات عمومی دیوان باطل گردیده است، فاقد وجهت قانونی است.» نادر جنتی - معاون مالیاتهای مستقیم</p>	

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی و قراردادهای مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور به موجب لایحه شماره ۱۰۰۳۵/۱۲/۱۰۰۳۵-۱۳۹۹/۶/۱۸ توضیح داده است که:

" ۱- به عنوان پیشینه بحث ذکر این نکته ضروری است که ادارات و مراجع حل اختلاف مالیاتی غالباً در رابطه با اثر آراء هیات عمومی دیوان عدالت اداری بر پرونده‌های مطرح در مراحل حسابرسی، تشخیص و دادرسی مالیاتی با ابهام مواجه بودند و به منظور رفع این ابهام و تعیین شیوه صحیح و قانونی اجرای آراء هیات عمومی دیوان عدالت اداری که متضمن ابطال مقررات سازمان امور مالیاتی کشور از تاریخ صدور رأی می‌باشد، این سازمان ضمن برشمردن مصادیق کلی ابهامات مطرح شده به موجب استعلام پیش گفته، از دیوان عدالت اداری درخواست نمود که راجع به اثر آراء هیات عمومی دیوان عدالت اداری بر پرونده‌های مطرح در مراحل حسابرسی (تشخیص یا مطالبه) و دادرسی مالیاتی اظهارنظر نماید و معاونت حقوقی، پیشگیری و پژوهش دیوان عدالت اداری نیز طی نامه شماره ۹۰۰۰/۲۳۰/۲۳۳/۲۰ - ۱۳۹۷/۷/۲۱ نظر کمیسیون مشورتی اقتصادی، اراضی و شهرسازی دیوان عدالت اداری را اعلام کرد. متعاقباً سازمان امور مالیاتی کشور نیز طی بخشنامه موضوع شکایت (بدون هیچ گونه دخل و تصرفی) صرفاً نسبت به ابلاغ نظریه فوق‌الذکر به کلیه ادارات و مراجع مالیاتی مبادرت کرد.

۲- نظریه مذکور آن کمیسیون وفق ضوابط و مقررات ناظر بر موضوع جهت مراعات شدن قاعده «فراغ» و اصل حقوقی «اعتبار امر مختوم» تنظیم و اعلام گردیده است. زیرا مطابق صدر ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری که اثر ابطال مصوبات از زمان صدور رأی هیات عمومی است، در صورتیکه وفق ضوابط مقرر در یک مصوبه مالیاتی، حسابرسی مربوط به یک پرونده مالیاتی پایان پذیرفته یا فرآیند رسیدگی به اعتراض مودی در مراجع دادرسی مالیاتی خاتمه یافته باشد، چنانچه معتقد باشیم با ابطال مصوبه مذکور توسط هیات عمومی دیوان عدالت اداری، پس از ختم مرحله حسابرسی مالیاتی یا به پایان رسیدن فرآیند رسیدگی به اختلاف مالیاتی در مرجع دادرسی مالیاتی، بر اساس رأی هیات عمومی دیوان عدالت اداری می‌تواند در آن ادارات و مراجع، امر حسابرسی و دادرسی مالیاتی تجدید شود، با اعمال این باور علاوه بر اطلاع رسیدگی به پرونده‌های مالیاتی بر خلاف نص ماده ۱۳ قانون مذکور، اثر ابطال مصوبه توسط هیات عمومی دیوان، عطف بامسابق می‌گردد، به علاوه آنکه در این صورت امر مالیاتی که در زمان حاکمیت مصوبه سابق مختوم بوده برخلاف ماده ۲۷۰ قانون مالیاتهای مستقیم دوباره توسط ماموران مالیاتی مورد اقدام قرار می‌گیرد، با آراء قطعی و لازم‌الاجرای مراجع دادرسی مالیاتی، بدون آن که از جانب مراجع ذی صلاح قانونی نقض شود، دوباره در همان مراجع مورد تجدید رسیدگی واقع می‌شود.

لکن چنانچه در زمان حاکمیت مصوبه سابق، مراحل حسابرسی یک پرونده مالیاتی یا رسیدگی به اعتراض مودی در مراجع حل اختلاف مالیاتی پایان نیافته باشد، تصمیم نهایی در خصوص مالیات مقرر قانونی اتخاذ نگردیده است و از طرفی حق مکتسبی برای مودی ایجاد نشده یا رأی مرجع دادرسی مالیاتی نسبت به مالیات مودی، از اعتبار امر

نیز ایجاد «تکلیف مالایطاق» در متن شکایت از بخشنامه مزبور در جهت تقویت استدلالات و احتجاجات ذکر شده بوده است. لذا بدو ارجاع امر به شورای نگهبان جهت تشخیص مغایرت بخشنامه با اصول و موازین شرعی مد نظر نمی‌باشد. توضیحاً اینکه همان طور که مستحضرد، حسب نص صریح ماده ۱۳ از قانون دیوان عدالت اداری اثر ابطال بخشنامه‌ها و مصوبات در هیات عمومی دیوان عدالت اداری از تاریخ ابطال بوده و به عبارتی اثر ابطال به گذشته سرایت ندارد، حال آن که سازمان امور مالیاتی طی بخشنامه معترض‌عنه اقدام به بار نمودن آثار بخشنامه ابطال شده به تکالیف مالیاتی مؤدیان در زمان قبل از ابطال نموده است چرا که تاریخ رسیدگی سازمان مزبور بر تکالیف مالیاتی مؤدیان، خارج از اختیار مؤدیان بوده و مسلماً نمی‌تواند موثر در تغییر تکالیف گردد.

لازم به توضیح است که حسب ماده ۱۱ قانون مالیات بر ارزش افزوده، تاریخ تعلق مالیات مزبور در ارائه خدمات عبارتست از «تاریخ صورتحساب یا تاریخ ارائه خدمت، هر کدام که مقدم باشد حسب مورد» و حسب ماده ۲۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده «مؤدیان مکلفند مالیات موضوع این قانون را در تاریخ تعلق مالیات، محاسبه و از طرف دیگر معامله وصول نمایند»، به عبارتی مؤدیان تکلیف دارند که در زمان صدور صورتحساب و یا ارائه خدمت (هر کدام که مقدم باشد) نسبت به شناسایی، دریافت و نهایتاً ایصال مبالغ مالیات و عوارض بر ارزش افزوده به سازمان اقدام نمایند و همان طور که ملاحظه می‌فرمایند مؤدیان حتی صرف نظر از عدم توان، تکلیفی نیز ندارند که ابطال احتمالی بخشنامه‌ها و مصوبات در دیوان عدالت اداری را پیش‌بینی و در حسابهای فی مابین با کارفرمایان و یا سازمان لحاظ نماید. حال اینکه سازمان امور مالیاتی در بخشنامه معترض‌عنه مقرر داشته است که در صورتیکه رسیدگی و راستی آزمایی در خصوص صحت انجام تکالیف مالیاتی مؤدیان به بعد از ابطال بخشنامه موکول شده باشد، اثر ابطال بر تکالیف مورد ارزیابی (که مربوط به زمان قبل از ابطال می‌باشد) بار خواهد گردید. به عبارتی سازمان امور مالیاتی در ضمن صدور بخشنامه مزبور اعتقاد داشته است که اگر رسیدگی به تکالیف مالیاتی مؤدیان به عنوان مثال ۱۰ سال بعد از تاریخ تکلیف صورت پذیرد، صدور هرگونه تغییر در بخشنامه‌ها و مصوبات در طول ۱۰ سال موصوف توسط هیات عمومی دیوان عدالت اداری، موجب تغییر در تکالیف سابق خواهد گردید!

در تقویت استدلال فوق‌الاشاره نظر آن هیات را به نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۶۲۰ - ۱۳۹۹/۵/۲۹ اداره کل حقوقی قوه قضاییه جلب می‌نماید که در خصوص تاریخ اعمال دادنامه شماره ۸۶ - ۱۳۹۸/۱/۲۷ (دایر بر ابطال معافیت پرونده‌های مسکن مهر از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده) بیان می‌دارد: «... تمامی مودیانی که پیش از تاریخ صدور رأی فوق‌الذکر از معافیت مالیاتی مصوبه یاد شده برخوردار شده‌اند، تکلیفی به پرداخت مابه التفاوت مالیات مربوطه نخواهند داشت و سازمان امور مالیاتی مجاز به مطالبه مابه التفاوت مزبور نیست.» لازم به ذکر است که حتی فارغ از استدلالات قانونی فوق نیز، بخشنامه معترض‌عنه عملاً بلاوجه بوده و مستحق ابطال می‌باشد، زیرا که اعتقاد به بخشنامه موصوف دارای این تالی فاسد خواهد بود که مؤدیان می‌بایست در زمان مقرر برای انجام تکالیف مالیاتی خویش، شخصاً مغایرت احتمالی بخشنامه و مصوبات با قوانین بالادست را کشف و در صورت اعتقاد به وجود مغایرت، بخشنامه و یا مصوبه مورد بررسی را در تکالیف خویش لحاظ ننمایند! و به عبارتی این تالی فاسد بدین معنا خواهد بود که هرکس قاضی کار خویش گردیده و مخیر در اعمال و یا عدم اعمال بخشنامه‌ها و مصوبات قانونی بر تکالیف خویش باشد. همان طور که ملاحظه می‌فرمایند مغایرت این امر با عقل سلیم و اصول و موازین قانونی و همچنین اصل ۱۷۰ قانون اساسی به حدی روشن و مسلم است که توضیح و استدلال بیشتر در این خصوص صرفاً موجب تضییع وقت آن هیات خواهد بود. با عنایت به معروضات فوق و شرح شکواییه تقدیمی، بررسی امر در هیات تخصصی و متعاقباً هیات عمومی دیوان عدالت اداری و اخذ تصمیم شایسته دایر بر ابطال بخشنامه معترض‌عنه و همچنین حسب فراز پایانی ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری، به جهت جلوگیری از تضییع حقوق مکتسبه مؤدیان ناشی از برخورداری از معافیت‌ها تا قبل از زمان ابطال بخشنامه و مصوبات، مترتب نمودن آثار ابطال موصوف به زمان تصویب بخشنامه از آن هیات مورد استدعاست."

مختوم برخوردار نگردیده است. لذا وفق ضوابط فوق‌الذکر، حسب مورد حسابرسی یا اتخاذ تصمیم نهایی نسبت به مالیات مودی می‌بایست بر اساس مفاد رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری صورت پذیرد نه بر اساس مصوبه سابق که با ابطال آن توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، قابلیت اجرا ندارد. بدین ترتیب بخشنامه شماره ۲۳۰/۹۷/۱۱۵ - ۱۳۹۷/۸/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور، مخالفتی با قوانین موضوعه ندارد و در حیطه صلاحیت قانونی سازمان امور مالیاتی کشور وفق ضوابط مقرر در ماده ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و با رعایت نظر کمیسیون مشورتی اقتصادی، اراضی و شهرسازی دیوان عدالت اداری مندرج در نامه شماره ۹۰۰/۲۳۰/۲۳۳/۲۰ - ۱۳۹۷/۷/۲۱ - ۱۳۹۷/۷/۲۱ معاونت حقوقی، پیشگیری و پژوهش دیوان عدالت اداری و ملاحظه اصول حقوقی ناظر بر موضوع، تنظیم و اعلام گردیده است و مفاد بخشنامه موضوع شکایت اقدامی در راستای اجرای صحیح زمان ترتیب اثر رأی ابطالی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بر پرونده‌های مطرح در مراحل حسابرسی (تشخیص، مطالبه) و دادرسی مالیاتی می‌باشد. لذا با توجه به مطالب معنونه و منطوق ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری رد خواسته شاکی مورد استدعاست.

در پاسخ به ادعای شاکیان مبنی بر خلاف شرع بودن تعرفه مورد شکایت، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۱۰۲/۲۸۵۱۵ - ۱۴۰۰/۹/۷ - این گونه اعلام کرده است:

" عطف به نامه شماره ۹۹۰۰۷۴۰ - ۱۳۹۹/۷/۱۶ موضوع بخشنامه شماره ۲۳۰/۹۷/۱۱۵ - ۱۳۹۷/۸/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور در خصوص اثر آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری بر پرونده‌های مطرح در مراحل حسابرسی، تشخیص و دادرسی مالیاتی، در جلسه مورخ ۱۴۰۰/۹/۳ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که به شرح ذیل اعلام نظر می‌گردد: اطلاق صدر بخشنامه مورد شکایت مبنی بر عدم شمول اثر ابطال مصوبات ذی‌ربط توسط دیوان عدالت اداری بر پرونده‌های مالیاتی که حسابرسی یا رسیدگی به اعتراض مالیاتی آنها قطعی شده است، در فرضی که مصوبات ذی‌ربط به دلیل مغایرت با موازین شرع مقدس اسلام ابطال شده‌اند، خلاف شرع شناخته شد. همچنین اطلاق ذیل بخشنامه مبنی بر عدم قابلیت استناد به مصوبات ابطال شده، توسط دیوان عدالت اداری در مورد پرونده‌های مالیاتی جاری، در فرضی که امکان پرداخت مالیات محاسبه شده جدید با کنار گذاشتن احکام مذکور در بخشنامه‌های ابطال شده قبلی توسط مودی وجود ندارد از قبیل مالیات بر ارزش افزوده‌ای که مودی در زمان سابق (پیش از ابطال بخشنامه‌های ذی‌ربط) باید از خریداران کالا و خدمات طرف حساب خود اخذ می‌کرده است و در زمان رسیدگی به پرونده مالیاتی، امکان اخذ آن را ندارد و نیز مواردی که مودی با اجرای بخشنامه‌های سابق (که در حین رسیدگی ابطال شده‌اند) مبنی بر بخشودگی یا تخفیف مالیاتی و نظایر آن، منابع ذی‌ربط را هزینه کرده و موضوع مالیات ذی‌ربط موجود نمی‌باشد، خلاف شرع شناخته شد. تشخیص قانونی بودن بخشنامه به عهده دیوان عدالت اداری است."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۱۰/۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

### رأی هیأت عمومی

قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۱۰۲/۲۸۵۱۵ - ۱۴۰۰/۹/۷ و در رابطه با جنبه شرعی بخشنامه شماره ۲۳۰/۹۷/۱۱۵ - ۱۳۹۷/۸/۱۴ سازمان امور مالیاتی کشور در خصوص اثر آراء هیأت عمومی در پرونده‌های مطرح در مراحل حسابرسی، تشخیص و دادرسی مالیاتی اعلام کرده است که: «اتفاق صدر بخشنامه مورد شکایت مبنی بر عدم شمول اثر ابطال مصوبات ذی‌ربط توسط دیوان عدالت اداری بر پرونده‌های مالیاتی که حسابرسی یا رسیدگی به اعتراض مالیاتی آنها قطعی شده است، در فرضی که مصوبات ذی‌ربط به دلیل مغایرت با موازین شرع مقدس اسلام ابطال شده‌اند، خلاف شرع شناخته شد. همچنین اطلاق ذیل بخشنامه مبنی بر عدم قابلیت استناد به مصوبات ابطال شده توسط دیوان عدالت اداری در مورد پرونده‌های مالیاتی جاری، در فرضی که امکان پرداخت مالیات محاسبه شده جدید با کنار گذاشتن احکام مذکور در بخشنامه‌های ابطال شده قبلی توسط مودی وجود ندارد، از

شماره ۶۲۷۶۵ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

**مصوبه شورای عالی اداری در خصوص تغییر مرکز امور حقوقی بین‌الملل ریاست جمهوری با کلیه وظایف، اختیارات، مسئولیت‌های قانونی، نیروی انسانی و بودجه به معاونت حقوقی رئیس‌جمهور**

معاونت اجرایی و سرپرست نهاد ریاست جمهوری  
معاونت حقوقی رئیس‌جمهور  
سازمان اداری و استخدامی کشور

شورای عالی اداری در یکصد و هشتاد و هفتمین جلسه مورخ ۱۴۰۰/۹/۱۶ بنا به پیشنهاد مشترک معاونت اجرایی و سرپرست نهاد ریاست جمهوری، معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و سازمان اداری و استخدامی کشور به استناد بند (۲) ماده ۱۱۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، اصلاحات زیر را در مصوبه شماره ۲۰۰/۱۰۲۹۹۰ مورخ ۱۳۸۸/۱۱/۱۹ شورای عالی اداری تصویب نمود:

- با توجه به ماهیت حقوقی فعالیت‌های مرکز امور حقوقی بین‌الملل ریاست جمهوری و ارتباط و سنخیت وظایف آن با وظایف معاونت حقوقی رئیس‌جمهور، جایگاه سازمانی مرکز مذکور با کلیه وظایف، اختیارات، مسئولیت‌های قانونی، نیروی انسانی و بودجه از ذیل سرپرست نهاد ریاست جمهوری به ذیل معاونت حقوقی رئیس‌جمهور تغییر می‌یابد.
  - معاونت اجرایی و سرپرست نهاد ریاست جمهوری مکلف است با همکاری معاونت حقوقی رئیس‌جمهور پیشنهاد اصلاح تشکیلاتی مرتبط با بند (۱) این مصوبه را در اجرای ماده (۳۱) قانون مدیریت خدمات کشوری و قوانین و مقررات مربوطه، تهیه و برای تأیید به سازمان اداری و استخدامی کشور ارائه نماید.
- رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی اداری - سیدابراهیم رئیسی

شماره ۶۲۷۷۱ ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

**مصوبه شورای عالی اداری در خصوص تغییر عنوان سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور**

وزارت جهاد کشاورزی  
سازمان اداری و استخدامی کشور

شورای عالی اداری در یکصد و هشتاد و هفتمین جلسه مورخ ۱۴۰۰/۹/۱۶ بنا به پیشنهاد مشترک وزارت جهاد کشاورزی و سازمان اداری و استخدامی کشور، عنوان سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، موضوع بند (۱) مصوبه شماره ۱۳/۶۷۵ ط. مورخ ۱۳۸۱/۴/۳ شورای عالی اداری را با حفظ ساختار و وظایف آن، به «سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور» تغییر و تصویب نمود.

رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی اداری - سیدابراهیم رئیسی